



علاءالدوله و سلطان خانم نوه فتحعلیشاه قاجار است که در دوره ناصرالدین شاه،وزیر دربار اعظم و سپس حاکم آذربایجان شد. وی پس از تأسیس مجلس شورای ملی، بر جایگاه دومین رئیس در اولین دوره آن، تکیه زد. این پژوهش توسط فرشید مهری انجام و توسط موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، روانه بازار نشر شده است. مؤلف در بخشی از کتاب «توپسنده برای تهیه این اثر با وسواسی خاص، از همه روش‌های کتابخانه‌ای، تحقیقات میدانی، بررسی اسناد دست اول تاریخی و استناد فراوان به خاطرات احتشام السلطنه، بهره جسته است. او با مراجعه به خاندان بزرگ علاءالدوله، موفق به یافتن اسناد فراوانی شد که نقش احتشام‌السلطنه را در امور گوناگونی از قبیل: حضور در انجمن معارف و چگونگی فعالیتش را در جریان مشروطه روشن می‌ساخت.احتشام‌السلطنه تلاش قابل توجهی برای تحقق مشروطه نمود و به دلیل حضور فعالش در جریانات سیاسی منجر به میسرولیت و جریانات پس از آن، خاطرایش که بخش قابل توجهی از کتاب را تشکیل می‌دهد، می‌تواند بسیار مورد اهمیت علاقه‌مندان تاریخ معاصر قرار گیرد.»

مؤلف در بخش دیگری از این مقدمه، نحوه تنظیم و تدوین مطالبی کتاب و دلایل آن را اینگونه برای مخاطب باز می‌گوید:«تقسیم‌بندی فصل‌ها،



بر اساس ادوار سیاسی و اجتماعی حیات احتشام‌السلطنه به شرح ذیل است. لازم به ذکر می‌باشد که در مباحث تحقیق پیش رو، سعی شده که در ضمن ارائه گزارش‌هایی از موضوعات،تحلیلی هم در انتهای هر قسمت ارائه شود:

فصل اول: شامل شرح حال و معرفی خانواده او از نظر اصل و نسب به طور کامل و ارائه شجره‌نامه‌ای کامل از ایل دولو و اسناب او.

فصل دوم تا ششم: در مورد خدمات سیاسی و فرهنگی و اجتماعی احتشام السلطنه در پنج دوره پادشاهی ناصرالدین‌شاه، مظفرالدین‌شاه، محمدعلی‌شاه، احمدشاه و رضاشاه می‌باشد. گفتنی است که در تشریح مقصضات هر دوره، در عین رعایت بیوسنگی زمانی ارائه اطلاعات آن، نقش احتشام‌السلطنه هم به طور منفرد و مجزا، به دقت مورد توجه قرار گرفته است.

در پایان: سپس از اتمام مباحث فصل ششم، آثار مکتوب، خصوصیات اخلاقی، اعتقادات مذهبی و بینش سیاسی احتشام‌السلطنه، مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت مؤلف در بخش آخر کتاب (نتیجه‌گیری)، به جمع‌بندی فصول کتاب و مباحث ارائه شده در کتاب می‌پردازد.

اسناد و تصاویر: ارائه بیش از ۱۱ قطعه عکس و ۵۰ صفحه اسناد و مدارک، از موارد لازم‌الذکر در این کتاب است.

مؤلف در بخشی از ایین اثر، در باب نگاه احتشام‌السلطنه به پذیرش سمت وزارت مختار ایران در انگلستان، چنین داوری کرده‌است:«باری، احتشام‌السلطنه چنانکه خود نوشته است، هرگز تمایل به تصدی پست وزیر مختاری ایران در لندن نداشت. می‌دانست که در لندن فرستاده مطلوب دربار و وزارت خارجه انگلیس نخواهد بود چون حاضر نخواهد شد حتی سه روز روال کار و شیوه نوکرفصلانه و عیب‌دانته‌ای را که میرزا ملکم‌خان و میرزا محمدعلی خان علاء‌السلطنه در طول یک نثل قرن تصدی خود در سفارت لندن به صورت سنت و قانون تغییر‌ناپذیر در آورده بودند، ادامه دهد و موفقیتی در آن مأموریت پیدا نخواهد کرد.»



گذری بر زمینه‌ها و پیامدهای انتصاب مهدی بازرگان به نخست وزیر دولت موقت انقلاب اسلامی

دولتی که اعضای آن یکدیگر را حذف کردند!

شاه – زاهدی و همچنین استعمار خارجی بود، به اشارتی رود. بازرگان و اطرافیشان در دور‌های که جامعه به چیزی جز رفتن پهلوی دوم و بر چیدن نظام سلطنتی رضایت نمی‌داد، همچنان از حاکمان باقی همان نظام بودند و براندازی را نمی‌پذیرفتند! زهرا سعیدی پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، در این‌باره آورده است: «مهندس مهدی بازرگان و گروه متبوع وی نهضت آزادی، در فرآیند مبارزات منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی، بر پایبندی به قانون اساسی و اجرای آن تأکید می‌کرد و همچنان مدافع حفظ نظام مشروطه سلطنتی بود. به عبارتی بنیانگذاران این گروه، خواستار تحمیر برخی از سیاست‌های رژیم بودند، نه نابودی یا سقوط آن. از این رو محور مبارزات این گروه، سیاست‌ها و برخی از قوانین رژیم بود. براساس اسناد تاریخی، نهضت آزادی در پی جدایی برخی از اعضای جبهه ملی تشکیل شد. از این رو نهضت، هم وارث مقاومت ملی بود و هم پرفرازنده و مبلغ شعار شاه سلطنت کند نه حکومت؛ به طور کلی نهضت آزادی بعد از نهضت آزادی، از جمله کسانی بود که در پاریس به دبیدار امام‌خمینی رفت. او به ایجاد حکومت اسلامی بعد از سقوط شاه اعتقاد داشت، اما در مورد کیفیت اداری و کاری است و دشوار می‌توان او را فعال سیاسی دانست. بازرگان در سال‌های ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۰ با مصدق همکاری نزدیک داشت، به همین دلیل در دوران نخست‌وزیری وی به عنوان نخستین مدیر شرکت ملی نفت منصوب و برای حل مسائل کارگران این شرکت به آبادان اعزام شد. همچنین در نخستین کابینه او، به عنوان عضو سنتی جبهه ملی و مؤسس انجمن اسلامی، معاون وزیر فرهنگ و اختلاف در میان ملیون را – که باعث کودتای ۲۸ مرداد و شکست آنان شد – حزب توده و اقدامات آن می‌دانست و از نظر او توده‌ای‌ها و جپی‌های مارکسیست، باطناً ضدملیت و ضددیانت بودند. بعد از کودتا، مهندس بازرگان به صورت جدی وارد مبارزات سیاسی شد و به عضویت سازمانی مخفی، به نام نهضت مقاومت ملی در آمد و در کنار آیت‌الله زنجانی و یدالله سبحابی، از اعضای کادر رهبری نهضت شدند که هدف آن، مبارزه با رژیم کودتایی

■ **کیستی مهدی بازرگان**

شاید در بادی این مقال، مناسب باشد در نگاهی گذرا، بدانیم که در چنین روزی چه فردی و با یکم سوابق از سوی رهبر کبیر انقلاب و طی یک مراسم رسمی در مدرسه علوی تهران، به نخست‌وزیری دولت موقت انقلاب اسلامی منصوب شد. رامین صادقی پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، زندگی سیاسی بازرگان را به شرح ذیل روایت کرده است: «با دقت در زندگی سیاسی مهندس مهدی بازرگان، درمی‌یابیم که نقش آفرینی سیاسی وی از دوران پس از کودتای ۲۸مرداد۱۳۳۲ آغاز می‌شود، اشتغالات وی نیز در دوران نهضت ملی، بیشتر اداری و کاری است و دشوار می‌توان او را فعال سیاسی دانست. بازرگان در سال‌های ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۰ با مصدق همکاری نزدیک داشت، به همین دلیل در دوران نخست‌وزیری وی به عنوان نخستین مدیر شرکت ملی نفت منصوب و برای حل مسائل کارگران این شرکت به آبادان اعزام شد. همچنین در نخستین کابینه او، به عنوان عضو سنتی جبهه ملی و مؤسس انجمن اسلامی، معاون وزیر فرهنگ و اختلاف در میان ملیون را – که باعث کودتای ۲۸ مرداد و شکست آنان شد – حزب توده و اقدامات آن می‌دانست و از نظر او توده‌ای‌ها و جپی‌های مارکسیست، باطناً ضدملیت و ضددیانت بودند. بعد از کودتا، مهندس بازرگان به صورت جدی وارد مبارزات سیاسی شد و به عضویت سازمانی مخفی، به نام نهضت مقاومت ملی در آمد و در کنار آیت‌الله زنجانی و یدالله سبحابی، از اعضای کادر رهبری نهضت شدند که هدف آن، مبارزه با رژیم کودتایی



یعقوب توکلی: «بعضی از آدم‌ها، در دایره محدودی انسان‌های دامنه نامحدود داد! به نظر من مهندس بازرگان پس از پیروزی انقلاب، مرد زمان خودش نبود و اگر سر کار می‌ماند، انقلاب دستاوردهای آن یکسره از دست می‌رفت! توصیه‌های دستاوردهای آن یکسره از دست می‌رفت! توصیه‌های او قبل از پیروزی انقلاب، شاید گاهی مرهمی مفید بود ولی بعد از انقلاب تبدیل به سم کشنده شد!»

عاریج

کفت وگرم۸۸۴۹۸۴۳۷

مهدی بازرگان به هر دلیل که برای تشکیل دولت انتخاب شد، بر پیشانی خویش مهر موقت داشت. با این همه او و دولتش در همان دوره موقت نیز، اسباب نارضایتی رهبر انقلاب، گروه‌های سیاسی و بدنه اجتماعی را فراهم آوردند و مدام در معرض انتقاد بودند. مهم‌ترین انتقاد به آن دولت، تلاش برای تحقق کمترین تغییرات و عقب‌ماندن از موق‌انتقاد بودند. مهم‌ترین انتقاد به آن دولت، تلاش برای تحقق کمترین تغییرات و عقب‌ماندن از موق مطالبات اجتماعی بود. امری که نهایتاً موجب شد نتواند به خدمت ادامه دهد.

آماده بود که دولت بختیار را تحمل کند تا تحت تأثیر رفتن شاه از کشور، تعدیل برقرار شود. نهضت آزادی از نظر سیاسی، همچنین معتقد به ارتباط سیاسی با امریکا برای حل مشکلات بود.

مواضع خاص نهضت آزادی پیرامون حکومت پهلوی و نیز ارتباط با امریکا، از جمله موضوعاتی بود که باعث اختلاف اساسی این حزب با جریان مذهبی و امام‌خمینی گردید. در این رابطه و در بحبوحه اوج گیری انقلاب و طرح پیشنهادی اشتی ملی از سوی رژیم و ابراز تمایل جبهه ملی و نهضت آزادی به در خواست شاه، امام‌خمینی با موضوع گیری خاص خود جهت مبارزه را تا فرجام‌نهایی روشن ساخت؛ من با روش آشتی و بینابینی مخالفم، اگر همه به طور روشن و قاطع این موضع را اتخاذ کنند که رژیم شاه باید برود، دیگر رژیم ناگزیر می‌شود سیاست خسته‌کردن ملت را، از راه کشتارهای مستمر و روش‌های تازه فشار و اختناق کنار بگذارد و پیروزی ملت نزدیک‌تر می‌شود...»

بازرگان انتخاب شد تا از حساسیت غرب بر پیروزی انقلاب کاسته شود!
با آنچه در فوق بدان اشارت رفت، جای این پرسش باقی می‌ماند که از چه روی امام‌خمینی و رهبران انقلاب اسلامی، به نخست‌وزیری مهدی بازرگان رضایت دادند؟ به این سؤال، پاسخ‌های متنوعی داده شده که شاخص‌ترین آن تلاش برای کاستن از حساسیت غرب بر سر پیروزی انقلاب اسلامی و براندازی کم‌زهنه‌تر سلسله پهلوی بوده است. علی مطهری فرزند شهید آیت‌الله تفسی مطهری – که نخست‌وزیری بازرگان، به پیشنهاد پدرش صورت گرفت – در این‌باره چنین می‌گوید: «به نظر من معرفی مهندس بازرگان برای نخست‌وزیری دولت وقت، نخست‌وزیر شد، به مردم گفت: انقلاب تمام شد، به خانه‌هایتان بروید و بگذارید ما کارها را انجام دهیم!... اگر مردم به این توصیه عمل می‌کردند، همان بلایی بر سر انقلاب می‌آمد که دوره دکتر مصدق آمد، امام‌ام قاطعانه گفتند: انقلاب تمام نشده، بلکه تازه شروع شده است!... مهندس بازرگان در قامت یک نخست‌وزیر سعی کرد ساختارهای قبلی را در کنار انقلاب – که معتقد به گذر ساختارها نبود – حفظ کند و نقطه اختلاف از همین جا بود. جریان انقلابی به جد معتقد بود که سران نظامی رژیم کذبته، سازمان‌های امنیتی و تمام تشکیلات مربوط به آن را باید تغییر داد. نخست‌وزیری می‌گوید: «نباید چهره بین‌المللی ما خراب شود، ما عضو سازمان حقوق بشر هستیم و نباید با گروه‌ها بر خورد کنیم» – به همین دلیل به رغم مخالفت سر لشکر قری – که یک استراتژیست انقلابی است – به حزب دموکرات کردستان ۵۰۰ قبضه اسلحه می‌دهد: نتیجه چنین تفکری کاملاً مشخص است: فعالیت‌های تجزیه طلبانه! در اینجا ما سیاستمداری را می‌بینیم که دیدار مهندس بازرگان از تهران را با کلیات سیاسی لازم و عقلانیتی ندارد و شرایط بحرانی و خطرناک کشور را در کم نمی‌کند. مهندس بازرگان تا در مرحله اوج گیری انقلاب، رهبر یکی از جریان‌های سیاسی مخالفت رژیم پهلوی بود، قائل به تغییر نظام سیاسی و مبارزه با امریکانودا بدی‌بینی است که این تفکر، در تقابل صددرصدی با تفکری مصلحت‌آمیز قرار داشت که می‌خواست امریکارانه تنها از ایران که از جهان اسلام براند. عملکرد مهندس بازرگان، پس از کودتای گمراهی هم جالب است. او شخصاً آدم وابسته‌ای نبود، اما فکر او به قول چیتایی آن موقع، جاده صاف کن امپریالیسم بود و زمینه را برای بازگشت آب رفته به جوی فراهم می‌کرد. نکته مهم دیگر این است که اعضای دولت مهندس بازرگان، خودشان با هم اختلاف‌نظر داشتند و بیشتر از آنچه جریان اسلام‌گرا آنها را حذف کند، خودشان یکدیگر را حذف کردند! یکی دیگر از اشتباهات بزرگ مهندس بازرگان این بود که سابقه درخشان خود را به عنوان یک فرد متفکر نماز شب‌خوان – که ده‌ها شاگرد بهتر از بنی‌صدر داشت – خرج آدمی متلی بنی‌صدر در داد‌ایشان در دوره‌ای و متأثر از اختلاف با سران حزب جمهوری اسلامی، آمد و پشت سر او ایستاد و از او دفاع کرد! این نهایت شناختن قدر و قیمت خود است. مهندس بازرگان انسان پاکدامن و متدینی بود و انصافاً اینکه قدر خود را نگه‌نداشت، تأسّف برانگیز است. بعد هم که از مجاهدین خلق – که جنگ مسلحانه را علیه نظام شروع کردند دست به ترورهای گسترده مردم عادی زدند – دفاع کرد، دیگر هر روزنه امیدوی را به سوی خود بست. در حالی که در دوره رژیم شاه و علنا، هیچ وقت از مبارزات مسلحانه دفاع نکرد. هر کسسی ظرفیت‌های محدودی دارد و اکثر آدم‌ها، آدم شرایط و زمانه خود هستند. بعضی از آدم‌ها، در دایره محدودی انسان‌های بزرگی هستند و نمی‌شود به آنها دامنه نامحدود داد! به نظر من مهندس بازرگان پس از پیروزی انقلاب، مرد زمان خودش نبود و اگر سر کار می‌ماند، انقلاب و دستاوردهای آن یکسره از دست می‌رفت! توصیه‌های او قبل از پیروزی انقلاب، شاید گاهی مرهمی مفید بود، ولی بعد از انقلاب تبدیل به سم کشنده شد!»



۱۵ بهمن ۱۳۵۷، مهندس مهدی بازرگان و اعضای دولت موقت در مدرسه علوی



دیدگاه‌های وی در دوران اوج‌گیری انقلاب اسلامی اشارتی رود. بازرگان و اطرافیشان در دور‌های که جامعه به چیزی جز رفتن پهلوی دوم و بر چیدن نظام سلطنتی رضایت نمی‌داد، همچنان از حاکمان باقی همان نظام بودند و براندازی را نمی‌پذیرفتند! زهرا سعیدی پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، در این‌باره آورده است: «مهندس مهدی بازرگان و گروه متبوع وی نهضت آزادی، در فرآیند مبارزات منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی، بر پایبندی به قانون اساسی و اجرای آن تأکید می‌کرد و همچنان مدافع حفظ نظام مشروطه سلطنتی بود. به عبارتی بنیانگذاران این گروه، خواستار تحمیر برخی از سیاست‌های رژیم بودند، نه نابودی یا سقوط آن. از این رو محور مبارزات این گروه، سیاست‌ها و برخی از قوانین رژیم بود. براساس اسناد تاریخی، نهضت آزادی در پی جدایی برخی از اعضای جبهه ملی تشکیل شد. از این رو نهضت، هم وارث مقاومت ملی بود و هم پرفرازنده و مبلغ شعار شاه سلطنت کند نه حکومت؛ به طور کلی نهضت آزادی بعد از نهضت آزادی، از جمله کسانی بود که در پاریس به دبیدار امام‌خمینی رفت. او به ایجاد حکومت اسلامی بعد از سقوط شاه اعتقاد داشت، اما در مورد کیفیت اداری و کاری است و دشوار می‌توان او را فعال سیاسی دانست. بازرگان در سال‌های ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۰ با مصدق همکاری نزدیک داشت، به همین دلیل در دوران نخست‌وزیری وی به عنوان نخستین مدیر شرکت ملی نفت منصوب و برای حل مسائل کارگران این شرکت به آبادان اعزام شد. همچنین در نخستین کابینه او، به عنوان عضو سنتی جبهه ملی و مؤسس انجمن اسلامی، معاون وزیر فرهنگ و اختلاف در میان ملیون را – که باعث کودتای ۲۸ مرداد و شکست آنان شد – حزب توده و اقدامات آن می‌دانست و از نظر او توده‌ای‌ها و جپی‌های مارکسیست، باطناً ضدملیت و ضددیانت بودند. بعد از کودتا، مهندس بازرگان به صورت جدی وارد مبارزات سیاسی شد و به عضویت سازمانی مخفی، به نام نهضت مقاومت ملی در آمد و در کنار آیت‌الله زنجانی و یدالله سبحابی، از اعضای کادر رهبری نهضت شدند که هدف آن، مبارزه با رژیم کودتایی



۱۵ بهمن ۱۳۵۷، مهندس مهدی بازرگان و اعضای دولت موقت در مدرسه علوی